

بود آیا.....؟

منوچهر فاضل

به بهانه انتشار بیانیه تحلیلی اندیشمندان ، فعالان سیاسی و دانشجویان ایرانی

انتشار « بیانیه تحلیلی اندیشمندان ، فعالان سیاسی و دانشجویان ایرانی » را میتوان روزنه امیدی در دوران وانفسای کنونی دانست . این گروه (بیش از پانصد نفر) که اکثر آنان چهره های شناخته شده مبارزه در راه برقراری آزادی واقعی در ایران و نابودی ارتجاع هستند ، با برشمردن مشکلات موجود که در اثر سوء نیت یا در نهایت ساده انگاری ، ندانم کاری ملایان حاکم بر ایران طی بیست و شش سال اخیر ، ملت محروم و ستم دیده این مرز و بوم با آن مواجه هستند و نشان دادن آینده تاریک تری که ادامه این روش حکومت برایمان به ارمغان می آورد ، به چاره اندیشی پرداخته و راههای مقدور مبارزه با این سیاه کاریها را گوشزد کرده اند . محتوای این بیانیه که تا حد توان کامل و جامع تدوین شده هر ایرانی دردمند و دردشناس را به اندیشه و امیدارد که برای دجات میهن اهورائی و هفتاد میلیون مردم زجر کشیده و در بند ، باید چاره اندیشید و اولین گام در این راه ، وحدت و یکپارچگی مردم و بویژه اوپوزیسیون درون مرز و برون مرز است .

نگارنده طی دهه ها سال حضور در کوران های سیاسی و مبارزات مردمی ، تقریباً تمامی امضاء کنندگان را (به جز اکثریت بزرگ دانشجویان فعال سیاسی که نمیتوان کوچکترین تردیدی در صداقت آنان داشت) از دور و نزدیک میشناسم . بین آنها کسانی را میبینم که بیش از نیم قرن سابقه مبارزه در راه آزادی و رهایی ملت ایران از یوغ استعمار و استبداد دو رژیم سابق و کنونی و سالها حبس و تبعید و شکنجه دارند . با پیروزی انقلاب بهمن پنجاه و هفت ، گروه های فرصت طلب و آنها که برکرسی قدرت نشستن را فقط شایسته خودشان میدانستند ، کوشیدند تا بین گروهها و افراد مبارز به عناوین گوناگون جدائی و تفرقه ایجاد کنند و خود با بهره وری از این چند گانگی ، بر خر مراد سوار شوند . شوربختانه این ترفند برایشان مفید افتاد و به هدف نامقدس شان رسیدند و آنچه که در این مدت برای ما ارمغان آوردند در بیانیه مزبور به تفصیل آمده است و نیازی به تکرار نیست .

و اینک خوشبختانه نسیم های موافق می وزد . گردآمدن این مبارزان دیرپا کنار هم و حضور فعال نسل جوان ، دانشجویان مبارز در این جمع ، نشان از اتحادی مقدس از دردکشان و دردشناسان در بر دارد و باشد که این کوشش ادامه یابد و همه گیر شود .

در اینجا روی سخن من با اوپوزیسیون برون مرز است . طی بیش از ده سال اقامت در اروپا و حضور در متن و حاشیه کوشش گروه ها و سازمانهای سیاسی که گاه میتوان شمار این سازمانها ، احزاب و تشکیلات گوناگون سیاسی را از شمار تعداد ایرانیهای مهاجر بیشتر دانست !!!!! همواره شاهد چند دستگی ، مبارزه درون سازمانی و خود محوری گردانندگان آن بوده ام . امروز این سازمان بیانیه و راهبردی را منتشر میکند و هنوز چند ساعتی از انتشار آن نگذشته ، سیل اعتراضات ، انتقادات ، حمله ها و متأسفانه گاهگاه اهانت های خارج از ادب سیاسی بصورت مکتوب و مصور به سوی ناشر بیانیه سرازیر میشود و از سوی دیگر ، طرفداران متن بیانیه پاسخ - گوئی را آغاز میکنند و اغلب بجای استدلال منطقی و یا ارائه رهنمود مستدل برای اصلاح اشتباهات احتمالی ناشران یا منتقدان ، میکوشند با ریشه یابی و کند و کاو در گذشته و حال سازمان ناشر و هموندان آن اتهامات فراوان از قبیل وابستگی به این و آن رژیم ، فرصت طلبی ، جاه طلبی ، عوام فریبی و اصل داستان را لوٹ کنند و آنچه که در این میان فراموش میشود ، سرنوشت مردم ستمدیده ایران و راه مبارزه با استبداد و ارتجاع حاکم است !!

این عادت ناپسند را حتی بین فرهیختگانی که سابقه فعالیت سالم سیاسی بدون شائبه هم دارند ، کما بیش میبینم . به خاطر دارم چندی پیش بین دو تن از مبارزان صاحب نام بر سر اینکه « حاکمیت ملی » صحیح است یا « حاکمیت ملت » بحث درگرفته بود که حتی دامن آن به نشریات هم کشید !!!!!

گویا تمام مشکلات مردم و میهن ما حل شده و مشکلی جز تفسیر و تصحیح کلمات و عبارات نمانده است که این عزیزان به آن می پردازند . این داستان یادآور قصه کشیشان کلیسای قسطنطنیه است که در شرایطی که سپاه سلطان محمد فاتح پس از سقوط شهر با سپاه خود به کلیسا حمله میکرد ، بجای هر چیز به بحث خود ادامه می - دادند که « عروج حضرت عیسی به آسمان لاهوتی بوده یا ناسوتی » !!!!!

گرچه عقیده نگارنده بر اینست که اگر حرکتی برای رهایی به آزادی و سربلندی و بازیافت عظمت ایران عزیز انجام شود بدست ایرانیان درون مرز که مشکلات را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس و حس می کنند انجام خواهد شد . ولی نمیتوان همراهی و یاری مبارزان برون مرز را نادیده گرفت .

در اینجا روی سخنم با ایرانیان و اوپوزیسیون برون مرز است (البته با آنها که میدانند و میخواهند که مشکل

میهن مان بدست خودمان حل شود، نه آنهایی که چشم به پول و نیروی بیگانگان دارند و راه نجات را حضور و همراهی آنان میدانند!!!!)

هم میهنان عزیز : بیائید برای یکبار هم که شده از صمیم قلب به فکر نجات ایران و ایرانی از یوغ ستم – گران باشیم و اختلافات درون گروهی و سازمانی را کنار نهیم و از مبارزان درون مرز بیاموزیم و با سعه صدر و فراموش کردن اختلافات ، دشمنی ها ، خودخواهی ها و خود محوری ها ، یکدل و یکرنگ بیاری ناشرین بیانیه تحلیلی بشتابیم و با صدور بیانیه ای بدور از هرگونه چند دستگی ، آدان را تأیید کنیم و بگوئیم که ما نیز با هر نیروئی که داریم آنان را حمایت میکنیم و صدایشان را به تمام مراجع صلاحیت دار بین المللی میرسانیم . باشد که این آغازی برای برداشتن گامهای بزرگتر و مؤثر تر گردد و بتوانیم به دنیا ثابت کنیم که ایرانیان هرجا که باشند و هر مرامی که دارند ، هدف اصلی و نهائی شان آزادی ، استقلال و یکپارچگی ایران زمین و هفتاد میلیون نفوس زیر ستم آن است .

بود آیا که این درخواست مورد پذیرش بزرگان عالم سیاست در خارج از کشورمان قرار گیرد ؟
یا آن که منتظر باشم که سیل حمله و اعتراض از سراسر جهان بسویم سرازیر گردد !!!

چنین مباد

چهاردهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه - آلمان – منوچهر فاضل